

4688



۲ قصه‌های ماندگار

دمنطق الطیر عطار

فرشته جندقیان



سرشناسه: جندقیان، فرشته، اقتباس کننده
عنوان قراردادی: منطق الطیر عطار، برگزیده
عنوان: قصه‌های ماندگار ۲، منطق الطیر عطار
تکرار نام پدیدآور: مؤلف فرشته جندقیان
مشخصات نشر: قم: نگاران قلم، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری: ۹۶ ص.

ISBN ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۶۷-۶۹-۷

وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: داستان‌ها، رمانی، قرن ۱۴- مجموعه‌ها
موضوع: عطار، محمد بن ابراهیم، ؟۵۳۷-؟۶۲۷ ق. منطق الطیر
شناسه افیس: عطار، محمد بن ابراهیم، ؟۵۳۷-؟۶۲۷ ق. منطق الطیر- برگزیده
رده بندی کنگره: ۲، ۱۲۹۰ ق ۸۴ / ن ۸۰۱۱ PiR
رده بندی دیویی: ۸۲۰/۶۲ فا ۸
شماره مدرک: ۴۹۰۰۱۵۳

مجموعه قصه‌های ماندگار

منطق الطیر عطار

باز نویسی: فرشته جندقیان

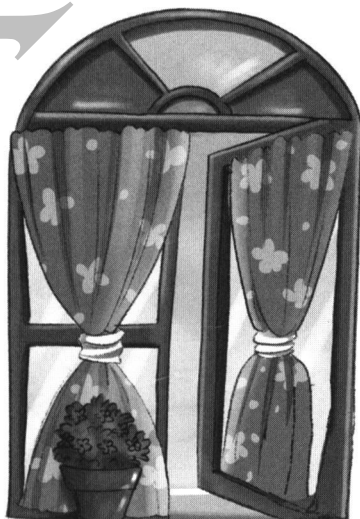
ناشر: نگاران قلم

صفحه‌آرایی: زیباکتاب

تاریخ و نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۶۷-۶۹-۷

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان



مرکز پخش:

۰۹۱۲۷۵۹۹۴۰۴

جهان کتاب:

۰۲۵۳۷۷۳۳۳۲۳



فهرست مطالب

۹.....	گذری بر منطق الطیر و عطار و شمس
۱۳.....	وزیردانا
۲۰.....	مردی شبیه موش
۲۳.....	کودک ماهیگیر
۳۰.....	غذای آسمانی
۳۵.....	منتظرت است
۳۹.....	هیزم سلطان
۴۳.....	جانم بنده‌ی من!
۴۵.....	دوست شیطان



۴۷..... قیامت با بُت

۴۹..... قصر بهشت

۵۳..... پادشاهی غلام

۵۷..... درشناسی

۶۰..... نمان قصر من!

۶۴..... پین خ

۶۶..... شاگرد ز استاد

۶۸..... مهربان به عهد

۷۰..... صابون در راه خدا

۷۳..... الاغ خوش نژاد

۷۸..... حساب جدا

۸۰..... من آدم شدم تو شدی؟!

۸۳..... کوهی از جواهر

۸۵..... هر که می خواهی باش!

۸۷..... اشتباه مگس

۸۹..... خجالت از خدا

۹۲..... لقمان دیوانه

۹۴..... کلید گم شده

۹۵..... قرارداد فروش



۱۰۰ نذر تهیدستان

۱۰۳ پروانه عاشق

۱۰۵ سوبت فردا

۱۰۶ غوغا در شهر

۱۰۹ ترش شیرین

۱۱۰ بدهی

۱۱۲ منابع

www.ketab.ir



گذری بر منطق الطیر و عطار نیشابور

فریدالدین محمد بن ابراهیم عطار نیشابوری از چهره‌های تأثیرگذار شعر فارسی است. او در حدود سال ۵۴۰ هجری در روستای شادیاخ، از توابع نیشابور، به دنیا آمد و به سال ۶۱۸ هجری در همین شهر به خاک سپرده شد. اشعارش خود را عطار و فرید می‌نامد. تخلص شعری او عطار است که نشان از شغل دارو فروشی و عطاری اش، انتخاب کرده است. شغل عطاری در آن روزها به گونه‌ای بود که باعث ارتباط بیشتر با تمام طبقات جامعه می‌شد. عطار با این شغل در میان مردم جسم و روانه‌ی خود می‌پردازد و با آثارش در پی درمان روح آنها بود. این بسیاری از شخصیت‌های حکایات خود را از همین دکان عطاری و شغل طبابت در آن انتخاب کرده و آنها را در قالب حکایت‌هایش ریخته است.

این عارف بزرگ برخلاف اغلب شاعران و نویسندگان، با درباریان و قدرتمندان هیچ ارتباطی نداشت. مخالفان او مردم عادی هستند و عطار سعی دارد درد این مردم را از ورای آثارش بگوید.

عطار با فرهنگ عامه آشنا بود و به خوبی با سنت روایات و سلاقی مخاطبان خود را بشناسد و با روانشناسی این روایات، در راستای ارتباط بهتر با آنها تلاش کند.

او با به‌کارگیری اشخاص و مضامین داستانی مورد علاقه‌ی آن‌سوی مردم، به مقصود خود نزدیک می‌شود. دشواری مضامین عرفانی و عام بودن مخاطبان این‌گونه اشعار و پایین بودن سطح بینش و دانش آنها شاعران عارف را به استفاده‌ی تمثیلی از حکایات و روایات سوق داد. او حرف‌ها و نکته‌های زیادی را که صلاح نمی‌داند به‌وضوح بیان کند از زبان آن دسته از شخصیت‌های حکایاتش که اغلب دیوانگان و پیران هستند، بیان می‌کند.



در طول زمان آثار زیادی را به این شاعر عارف مسلک نیشابور نسبت داده‌اند که گاه تعداد آن به ۱۱۴ کتاب می‌رسد و با سوره‌های قرآن و به تعبیری با سن این شاعر مطابقت می‌کند، اما در طی پژوهش‌هایی که در سال‌های اخیر انجام شده است، می‌توان در چهار مثنوی به نام‌های *اسرارنامه*، *الهی‌نامه*، *منطق‌الطیر* و *مصیبت‌نامه*؛ *دیوان شعر* و مجموعه‌ی رباعیاتش به نام *مختارنامه* که همه به نظم هستند و اثری به نثر با عنوان *تذکره السراپاء* به اتفاق نظر قطعی رسید.

از چهار مثنوی عطار: *الهی‌نامه*، *منطق‌الطیر* و *مصیبت‌نامه* هر کدام شامل یک داستان صلی و جامع است که در درونشان حکایات و تمثیلات متعدد گنجانده شده که این‌گونه داستان‌پردازی همان شیوه‌ی متداول داستان‌سرایی است که در *کلامه و دمنه*، *سندباد نامه* و *مرزبان‌نامه* به کار رفته است.

منطق‌الطیر که نام اصلی آن *مقامات طيور* است و عطار به هردوی این اسم‌ها در مثنوی خود اشاره دارد. این عنوان اصلی به دست نسل‌های بعد تحوّل پیدا کرده است. *منطق‌الطیر* آخرین مثنوی عطار و هم‌وزن *مصیبت‌نامه* و از شاهکارهای ادبیات فارسی در طول قرن‌ها بوده است. موضوع آن همانند *اسرارنامه* گزارش یک جستجو به زبان رمزی است و مانند *الهی‌نامه* از یک داستان واحد تشکیل شده که حکایات زیادی را درون خود جای داده است. متن اصلی با توصیف سیمرغ آغاز می‌شود. داستان از این قرار است که پرنده‌گان دور هم جمع شده‌اند و دوست دارند همانند پرنده‌گان بسیار در شهرها برای خود پادشاهی داشته باشند. آنها سعی دارند برای رسیدن به این پادشاه به هم کمک کنند.

از میان پرنده‌گان، هدهد که پرنده‌ی دانایی است خبر از پادشاهی به نام



سیمرغ می‌دهد که در پشت کوه قاف زندگی می‌کند و فقط او را شایسته‌ی پادشاهی می‌دانست. هدهد به توصیف سیمرغ می‌پردازد و مرغان را تشویق می‌کند که در جستجوی او باشند.

مرغان که مشتاق پیدا کردن سیمرغ هستند همگی آمادگی خود را برای سفر اعلام می‌کنند، اما همین‌که از سختی‌های راه و درازی سفر آگاه می‌شوند، هدهد با بهانه‌ای می‌آورد تا پا در این راه نگذارد، اما باز هدهد آنها را به شوق دیدار سیمرغ به ادامه‌ی راه تشویق می‌کند.

مرغان که هدهد را سرغ دانایی می‌دانند و به رهبری خود انتخاب کرده‌اند، از او می‌خواهند تسره و بسم آب سفر را به آنها بیاموزد تا با آسودگی خاطر قدم در راه بگذارند.

هر کدام از مرغان سؤالی می‌پرسد و هدهد در ضمن بیان حکایات مختلف پاسخ تک‌تک آنها را می‌دهد و سرانجام برای رسیدن به سیمرغ، پشت سر گذاشتن هفت وادی را معرفی می‌کند.

خلاصه مرغان تصمیم می‌گیرند یکدل شوند و قدم در این راه بگذارند. مرغان که نمادی از جویندگان راه حق هستند، در آن سفر شوق رسیدن به این پادشاه، بدون توجه به خطرات سفر با او همراه می‌شوند تا او را در کوه قاف بیابند، اما در هر منزل تعدادی از مرغان را طاقت دوری و سختی‌ها که همان دلبستگی به تعلقات دنیوی است، از ادامه‌ی سفر باز می‌دارد.

مرغان تا رسیدن به وادی هفتم خطرات زیادی را پشت سر می‌گذارند. بسیاری از آنها بر اثر سختی راه تلف می‌شوند و تعداد زیادی از آنها را حیوانات درنده خوراک خود می‌کنند. سرانجام از صدها هزار مرغ تنها سی مرغ باقی می‌مانند که بی‌بال و پرو رنجور و خسته به درگاه با عظمت سیمرغ می‌رسند.



مرغان در تحیر عظمت آن بارگاه مانده‌اند. چاووشی به حضور آنها می‌آید و مقصودشان را از آمدن به آن بارگاه سؤال می‌کند.

مرغان می‌گویند آمده‌ایم تا از سیمرغ درخواست کنیم پادشاهی بر ما را بپذیرد. چاووش به آنها می‌گوید اگر خوب نگاه کنید خود شما همان سیمرغ هستید؛ چون برای رسیدن به یک وجود نامتناهی سختی‌های زیادی را به جان خریده‌اید. تمام گناهان کرده و ناکرده‌ی شما از بین رفته است و الآن در وجه سیمرغ زوَب شده‌اید. سرانجام آنها از انعکاس چهره‌ی سی مرغ که همار سی ریده هستند، چهره‌ی سیمرغ جهان و یا همان خداوند را می‌بینند. مضمون اصلی این اثر رسیدن به وحدت و غرق شدن در وجود سیمرغ یا همان خداوند است. در لابه‌لای این اندیشه‌ی اصلی، اندیشه‌های فرعی زیادی وجود دارد که عطار آنها را از طریق داستان‌ها و حکایات زیادی بیان می‌کند.

کتاب حاضر برگزیده‌ای از بهریر حکایات منطق‌الطیر است که دارای نکات اخلاقی و تعلیمی بوده و برین قشر نوجوان در نظر گرفته شده است. نگارش حکایات اغلب به شیوه‌ی بازآفرینی بوده و برداشت‌های اخلاقی و تعلیمی شفاف است و سعی شده با این روش، کیفیت ارتباط بیشتری با خواننده‌ی خود برقرار کند. امید است که در نگاه خواننده تأثیر واقع شود. به امید گام‌های مفیدتر در عرصه‌ی آشنایی هرچه بیشتر و خالص‌تر نوجوانان با کتاب‌های پندآموز!!

فرشته حنّاق

تابستان ۱۳۹۶